

ارائه‌ی الگوی پیشگیری از سوء تغذیه‌ی کودکان زیر پنج سال در ایران

چکیده

زمینه و هدف: تأمین سلامت کودکان یکی از اولویت‌های بهداشتی جوامع است. بیشترین میزان شیوع سوء تغذیه در کودکان شیرخوار و پیش دبستانی می‌باشد و همچنان این مشکل در برخی مناطق نیاز به مداخلات مهم در حوزه سلامت دارد. از دلایل اهمیت سوء تغذیه و نیاز به مداخله برای رفع آن، عواقب جدی آن همچون افزایش بیماری‌های عفونی و مرگ و میر متعاقب آن در کودکان است. لذا این مطالعه با هدف ارائه‌ی الگوی پیشگیری از سوء تغذیه کودکان زیر پنج سال در ایران انجام گرفت.

روش تحقیق: این مطالعه بصورت تلفیقی کمی و کیفی انجام گرفت. ابتدا با انجام یک مطالعه‌ی مروری نظام‌مند و فرا تحلیل، شیوع سوء تغذیه‌ی کودکان زیر ۵ سال در ایران بر اساس ۱۸ مطالعه‌ی انجام گرفته برآورد شد. سپس بر اساس آمار و اطلاعات موجود کشوری و بین‌المللی روند شیوع سوء تغذیه‌ی کودکان زیر پنج سال ایرانی بر اساس چهار مطالعه‌ی کشوری بررسی شد. در ادامه روند ۱۵ ساله‌ی سه شاخص کم‌وزنی، لاغری و کوتاه‌قدی ارزیابی شد. در مرحله‌ی بعد مطالعه‌ی مروری نظام‌مند برای شناسایی عوامل مرتبط با سوء تغذیه‌ی کودکان در ایران بر اساس ۳۰ مطالعه‌ی داخلی انجام گرفت. سپس سیاست‌های پیشگیری از سوء تغذیه‌ی کودکان زیر ۵ سال کشور بر اساس ۳۰ مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با متخصصین و بر اساس مدل مثلث سیاست‌گذاری تحلیل شد. در نهایت بر اساس یافته‌های مراحل قبل الگوی اولیه تدوین شد و در دو مرحله با استفاده از فن دلفی اعتبار سنجی و تأیید شد.

یافته‌ها: بر اساس مطالعه‌ی فراتحلیل شیوع کلی لاغری ۷/۸ درصد (۴/۸-۱۲/۶؛ فاصله اطمینان ۹۵٪)، شیوع کلی کم‌وزنی ۱۰/۵ درصد (۷/۱-۱۵/۴؛ فاصله اطمینان ۹۵٪) و شیوع کلی کوتاه‌قدی ۱۲/۴ درصد (۸/۳-۱۸/۵؛ فاصله اطمینان ۹۵٪) برآورد شد. شیوع سوء تغذیه‌ی کودکان زیر پنج سال بر اساس آخرین مطالعه‌ی کشوری انجام گرفته برای شاخص‌های لاغری، کم‌وزنی و کوتاه‌قدی به ترتیب ۴، ۴/۰۸ و ۶/۸۳ درصد بود. روند ۱۵ ساله‌ی این سه شاخص در چهار مطالعه‌ی کشوری انجام گرفته به‌صورت نزولی بوده است. در مقالات بررسی شده، ۱۵ عامل به عنوان بیشترین عوامل ذکر شده‌ی مرتبط با سوء تغذیه‌ی کودکان زیر ۵ سال شناخته شدند. بیشترین عامل ذکر شده جنسیت کودک، سطح تحصیلات مادر و وزن هنگام تولد کودک بود. عوامل زمینه‌ای موثر بر سیاست‌گذاری‌های تغذیه در کودکان زیر ۵ سال در ایران شامل عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل ساختاری-قانونی، عوامل مربوط به سیاست‌گذاری و عوامل بین‌المللی دسته‌بندی شدند. از نقاط ضعف و چالش‌های مهم در ارتباط با سیاست‌گذاری تغذیه‌ی کودکان در سال‌های اخیر می‌توان به این موارد اشاره کرد: کاهش اولویت حوزه مادر و کودک در سال‌های اخیر، جامع نبودن برخی سیاست‌ها، نبود سیاست مدون ملی برای تغذیه‌ی کودکان، مشکل جدی در وضعیت بعضی از ریز مغذی‌ها، وجود نقص در آموزش تغذیه‌ی مادران و تفاوت زیاد شیوع سوء تغذیه در مناطق محروم با متوسط کشوری.

نتیجه‌گیری: سیاست‌های اجرا شده برای کاهش سوء تغذیه در دهه‌های اخیر اکثراً موفق بوده‌اند. در حال حاضر با وجود این که برخی از مسائل موجود در حوزه‌ی تغذیه‌ی کودکان دارای اهمیت بسیار بالایی است ولی آن‌گونه که باید در دستور کار سیاست‌گذاران قرار ندارد و مسائلی همچون کمبود برخی از ریزمغذی‌ها که شیوع بالایی نیز در بین کودکان دارد نیازمند سیاست‌ها و برنامه‌های منسجمی است که باید با جدیت و همکاری بین بخشی بیشتری دنبال شود. توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها هر منطقه از مهم‌ترین مواردی است که باید در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شود. سیاست‌گذاری‌هایی که مبتنی بر شواهد باشد. همچنین با توجه به این که سیاست سازمان‌های مختلف بر یکدیگر تأثیر دارد و عدم هماهنگی بین این سیاست‌ها می‌تواند روند موفقیت سیاست‌های کلی اتخاذ شده را کاهش دهد، نیاز به تولیدی قوی برای هماهنگی بیشتر و پیشبرد اهداف کلان وجود دارد. نیاز به سند جامع کشوری تغذیه‌ی کودکان زیر ۵ سال در کشور از مهم‌ترین نیازهای کنونی است.

واژه‌های کلیدی: پیشگیری، الگو، سوء تغذیه، کودکان زیر پنج سال، مثلث سیاست‌گذاری